

بررسی نقش زنان در خلق شادی در اساطیر

فریبا رئیسی^۱



چکیده

در تاریخ اساطیری ایران، نخستین آفریده مادی آسمان است که اور مزد به یاری او شادی را می‌آفریند. حضور یک زن نمادین در آسمان (ناهید) که در ادب فارسی مظهر شادی و طرب است، این باور را در ذهن متبادر می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شادی پیوندی وجود داشته است. به علاوه ایرانیان زمین را یکی از امشاسپندان مقدس می‌دانند که با ویژگی تانیث خلق شده است و در واقع حکم دختر اهورا مزدا را دارد و برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است خدایانوی زمین به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. لذا قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاهر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهن این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

کلید واژه‌ها: زن، خدایان، شادی، ایران باستان، جشن

هدف

بررسی رفتارهای آیینی هر فرهنگ، بنیاد و حقیقت کلی آن فرهنگ را معرفی می‌کند. در واقع جستجو برای یافتن هویت فرهنگ هر قوم یکی از مشغله‌های پژوهشگران عصر حاضر است. از اواسط قرن نوزدهم متخصصین فرهنگ مردم (فولکلور) متوجه مشابهت‌های فراوانی میان اساطیر متعلق به زمان‌ها و محیط‌هایی کاملاً مختلف و متنوع شدند. از طریق اسطوره‌ها می‌توان به نموداری از تکامل انسان‌ها دست یافت و تغییر و تحولاتی را که در طی زمان داشته‌اند، شناسایی کرد زنان که بخش مهمی از بدنه اسطوره‌های هر قوم را تشکیل می‌دهند، در طول تاریخ با افت و خیزهای اجتماعی فراوانی روبرو بوده‌اند. پیکرک‌های زنانه‌ای که متعلق به خدایانوان بوده در معرفی نقش، وظایف و توانمندی‌های زنان در طول تاریخ مخصوصاً تاریخ اساطیری هر قوم بسیار گویا هستند. خلق شادی توسط زنان در تفکر ایران باستان نیز به دلیل اهمیت فراوانش در زیربنای روان اجتماعی، هدف اصلی نوشته حاضر است. در این مقاله به بررسی جایگاه شادی در اسطوره‌های ملل کهن و نیز نقش زنان در خلق و پرورش این پدیده پرداخته شده است. هدف، تاثیر نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مبنا قرار دادن اصل " شادی " است. همچنین نشان دادن سیر تحول اندیشه انسان‌ها در جوامع مختلف با تکیه بر عنصر اسطوره‌ای " زن " از دیگر اهداف این تحقیق می‌باشد.

مبانی تحقیق

اسطوره‌ها به عنوان بخشی از فولکلور هر قوم جایگاه خاصی را در فرهنگ عامه به خود اختصاص داده‌اند. اسطوره‌ها در همه حوزه‌های زندگی شخصی کاربرد دارند زیرا هیچ چیزی از اسطوره جدا نیست. بسیاری از شاعران دانش اسطوره‌شناسی را

این بررسی نخست باید افق‌های گسترده تری را مد نظر قرار داد که از جمله پرداختن به باورهای دولت‌های صاحب تمدن غیر از ایران در گستره تاریخ اساطیری است. طرح این سؤال که "به چه دلیل زنان در برهه‌ای خاص از زمان نسبت به مردان صدر نشین تر بوده‌اند؟" باعث انجام پژوهش‌هایی در خصوص جایگاه زنان در جوامع مختلف بوده است. در این مقاله به سئوالات زیر پاسخ داده شده است: جایگاه خدایانوان در اسطوره‌های ملل کهن و نقش آنان در بقای جامعه چه بوده است؟ خدایانوان در خلق شادی چه نقشی داشته‌اند؟ در مبحث اسطوره‌شناسی ایران زنان چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟ آیا شادی عنصری زنانه است؟

پیشینه تحقیق

تقدس زن بیشتر از جنبه داشتن احساسات و عواطف مادرانه و نقش او در جوامع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موضوع اکثر پژوهش‌ها بوده است. از سویی توجه به آیین‌ها و مراسم اساطیری که از دیرباز در میان جوامع مختلف رایج بوده نیز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران است اما پرداختن به اصل شادی و مراسم آیینی مربوط به آن و نقش آفرینی زنان در این خصوص کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در فولکلور مردم ایران تمامی آداب و رسوم شادی بخش بدون حضور و نقش زن و مادر بی معنی است. در ساختار شناسی قصه‌های مردمی و نیز در افسانه‌ها نقش مادر در ایجاد فضایی شاد مهمترین کارکرد را به خود اختصاص داده است. این نقش از دیرباز در اسطوره‌ها نیز وجود داشته است و حضور ایزد بانوان با کارکردهایی چون بخشندگی، پاکی، شادی، زیبایی، دانایی در اساطیر ناشی از این تفکر باستانی است که ماهیت وجودی زن با این عناصر پیوندی ناگسستنی داشته و دارد.

روش شناسی

روش تحقیق بر مبنای پژوهش‌های کتابخانه‌ای است که به صورت مراحل فیش برداری و جمع آوری اطلاعات تهیه شده است. بخشی از این پژوهش نیز در حیطه فولکلور شناسی و جمع آوری داده‌های مردمی بوده که به صورت میدانی و با استفاده از فولکلور برخی از مناطق ایران شامل جمع آوری قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و مراسم آیینی در ارتباط با نقش زنان تدوین گردیده اما جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن خودداری شده و به صورت مقاله‌ای جداگانه ارائه خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

درتفکر ایرانیان باستان خلق شادی به عنوان یکی از مظاهر خلقت مینوی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در سنگ نیشته نقش رجب از زبان داریوش آمده است: "بغ بزرگ است اهورامزدا که این بوم را بداد، که مردم را بداد، که مردم را شادی بداد." (بهار، ۱۳۷۲: ۴۹)

طبق اسطوره زندگی زرتشت یکی از معجزات این پیامبر آن بوده که موقع زادن خندید. (آموزگار، ۴۲: ۱۳۷۰)

در گزیده‌های زادسپرم علت خنده زردشت چنین توجیه شده است که در هنگام تولد او اهریمن، سپاهی از دیوان را برای نابودی اش فرستاد و ایزدان به کمک فره به مقابله با دیوان پرداختند. اهریمن که خود را در حال شکست دید دیو "اکومن" (اندیشه بد) را گسیل کرد و اورمزد به مقابله او بهمن (اندیشه نیک) را فرستاد. بهمن در اندیشه زرتشت در آمد و با آن درآمیخت و چون بهمن مینوی شادی آفرین است، زرتشت هنگام تولد خندید.

بر اساس اسطوره‌های خلقت در ایران باستان اورمزد در شش مرحله آفرینش را

به وجود آورد. نخستین آفریده مادی آسمان است که اورمزد به یاری او شادی را آفرید و پس از آن زمین، آب، گیاه، حیوان و انسان را آفرید. آسمان در اندیشه ایرانیان باستان " همچون جنگجوی دلیری است که در برابر حمله اهریمن ایستاده است." (آموزگار، ۱۳۷۴:۳)

لذا می‌توان او را مظهر قدرت و مردانگی به شمار آورد. زمین که در مرحله بعد آفریده شد، امشاسپندی مقدس است که با ویژگی تانیث خلق گردیده و در واقع حکم دختر اهورامزدا را دارد. باروری، زایش، رویش، بردباری و آرامش از ویژگی‌هایی است که برای زمین در نظر گرفته شده است. بنابراین در تصور مردمان عصر کشاورزی زن همزاد زمین است. برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری یا "مادر کبیر" است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است، این خدایانوی زمین است که به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. به همین دلیل قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاهر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهن این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

در باور این جوامع "جامعه کشاورزی زایش را تقویت می‌کند و زاینندگان (مادران) که خوراک دهندگان نیز هستند مورد ستایشند. زنان همانگونه که خود می‌زاینند زمین را نیز بارور می‌کنند. زن مادر انسان و مادر زمین است. او مادر کبیر است. چشمه زندگی در سینه‌های او جاری است. پس آب‌های شیرین و رودهای پهناور نیز در اختیار اوست. شیر مادر انسان را تغذیه می‌کند و آب شیرین، زمین را. از درون هر دو زندگی جدید آغاز می‌شود که پر برکت است." (لاهیجی/کار، ۱۳۷۱:۵۰)

برکتی که از حضور زمین در آفرینش ناشی می‌شد، زمینه شادمانی را نیز فراهم می‌کرد. زیرا پرستش ایزد بانوان در عهد باستان یک اصل پذیرفته شده به شمار می‌رود

برای زندگیشان منشا خیر و برکت و شادی می‌دانسته‌اند، او را سپاس می‌گفته‌اند و آیین‌هایی را بر خود واجب می‌کرده‌اند.

"آفریجگان" نیز یکی دیگر از جشن‌هایی است که ایرانیان در تقدس الهه آب برپا می‌کرده‌اند. این جشن که در بیشتر مدارک به "آفریجگان اصفهان" مشهور است، جشنی است که در روز سی ام بهمن ماه برگزار می‌شده است و به نام‌های "آب ریزگان" و "آب پاشان" نیز معروف بوده است. جشن مذکور تا قرن ۱۱ هجری قمری در اصفهان رایج بوده و طبق گفته مولف عالم آرای عباسی، شاه عباس کبیر این جشن را در بیست و سومین سال جلوس خود در چهار باغ برپا می‌کرده است. (ترکمان، ۱۳۸۹: ۷۸۸)

بیرونی و گردیزی، زمان پیدایش این جشن را به دوران فیروز، جد انوشیروان و علت آن را بارش باران پس از چندین سال خشکسالی ذکر کرده‌اند که در پی تضرع فیروزشاه به درگاه خداوند باران بارید و فیروز در بیابان فارس در محلی که امروز "کام فیروز" نامیده می‌شود، این جشن را برپا کرده بود.

اما دکتر یا حقی معتقد است که این "جشن بر خلاف آنچه بیرونی و گردیزی آورده‌اند بسیار قدیمی تر بوده و در واقع این جشن با "آب تیرگان" که دراصل به ستایش و نیایش آب به عنوان مهم‌ترین و بزرگترین عنصر هستی و مادر و شالوده آفرینش و زندگی و باروری بوده است پرداخته می‌شده و سابقه آن در ایران به چند هزار سال قبل از میلاد مسیح و به روایتی به زمان منوچهر می‌رسد" (یا حقی، ۱۳۷۵: ۵۰)

در میان امشاسپندان سه امشاسپند اسپندارمذ، امرداد و خرداد مونث هستند. اسپندارمذ فرشته موکل بر زمین، امرداد فرشته موکل بر گیاه و خرداد فرشته موکل بر آب است. با اندکی دقت می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر جشن‌های ایران باستان در تقدس این سه عنصر بوده است.

جشن مردادگان که به نام "جشن نیلوفر" نیز شهرت داشته است از دیگر جشن هایی بوده است که در هفتم امردادماه برگزار می‌شده و روزی خجسته و مبارک به شمار می‌رفته است.

جشن مهم دیگری که تا امروز نیز توسط ایرانیان با شکوه و تقدس خاصی برگزار می‌شود "یلدا" است. در واقع این روز، روز تولد میترا یا الهه مهر بوده است. ایرانیان این روز را با تلفظ سریانی اش "یلدا" می‌نامیدند. این آیین بعدها به عنوان یک روز مقدس با آیین مهری به اروپا رفت. یلدا طولانی ترین شب سال است که پس از آن آفتاب از برج قوس به برج جدی تحویل می‌شود و روزها اندک اندک بلند می‌گردد. "ایرانیان در این شب تا زمان بازآمدن خورشید به دور آتش شادی می‌کردند و خوان می‌گسترده و میزد و نثار می‌کردند که بازمانده این مراسم هنوز برجاست. در ادب فارسی شعرا زلف یار را از حیث سیاهی و بلندی به شب یلدا تشبیه کرده اند." (یاحقی، ۱۳۷۵: ۴۶۵)

جشن نوروز نیز که بزرگترین و باشکوهترین اعیاد ایرانیان به شمار می‌رود، ارتباط بسیار نزدیک و مستقیمی با زمین، مادر کبیر طبیعت دارد. در واقع خدا بانوی زمین است که شادی همگانی مردم را باعث می‌شود و موجبات تفریح و نشاط مردم در دامن طبیعت را فراهم می‌آورد. تجدید و تکرار آیینی این جشن‌ها گواه ارزش والای شادی و تفریح در تفکر و اندیشه ایرانیان باستان بوده است. مراسم خاصی که در نوروز اجرا می‌شود نیز هرکدام به نوبه خود دارای اهمیت خاص است. همه این مراسم، مراسمی شاد و مقدس و زیبا هستند. سنت پاکیزه خانه‌تکانی، برافروختن آتش به نشانه قداست آتش در نزد ایرانیان، پوشیدن لباس‌های زیبا و پاکیزه و نو، چیدن سفره هفت سین و اعتقاد به قداست عدد هفت، کاشتن سبزی و هفت نوع از غلات (که در ایران قدیم میان مردم مرسوم بود هرکدام از این غلات که بهتر می‌روید

نشانه و فور آن نوع غله در طول سال بود)، دید و بازدیدهای نوروزی، عیدی دادن، بازگشت به طبیعت، یاد کردن ارواح درگذشتگان و اجرای ده‌ها رسم خوب و پسندیده از پیامدهای دیگر این ایام است که عموماً توسط بانوان انجام می‌گیرد.

با بررسی برخی از این افسانه‌ها و اسطوره‌های کهن در ایران و سایر ملل جهان می‌توان زن را به عنوان نمادی برای شادی در نظر گرفت.

حضور یک زن نمادین در آسمان (زهره) که مظهر شادی و طرب است، این باور را در ذهن متبادر می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شادی پیوندی وجود داشته است. "ابوریحان بیرونی در "التفهیم" رابطه زهره با آب، سپیدی، رویش، طرب و شادی را انکار ناپذیر می‌داند و زهره را که سعد اصغر نامیده می‌شود با ویژگی‌های تانیث، حسن وجه و طرب معرفی می‌کند و او را کوکب اهل طرب و ستاره مخصوص زنان و اهل لهو و شادی می‌داند. ابوریحان زهره را چنین توصیف می‌کند: "زنی است نشسته بر اشتر و در پیشش بریط است و همی زند." (بیرونی، ۳۸۹: ۱۳۷۱) به همین دلیل زهره را ایزد موسیقی و سرپرست رامشگران و خنیاگران می‌شمرده‌اند و کارها و صفات نوازندگان را مظهر جلوه‌ای از صفات بی شمار او می‌دانسته‌اند:

خیزای مطرب و بخوان غزلی	هین که زهره رباب می‌آرد	(عطار / ۱۳۱)
زهره خنیاگریت گر نکند	تا ابد سور زهره ماتم باد	(انوری / ۱۰۸)
طالعش گر زهره باشد در طلب	میل کلی دارد و عشق و طرب	(مولوی ۴۶/۷۲)

آری چو ماه و زهره به یک جا قرین کنند عیش و نشاط و شادی و لهو اقتضا کنند (مسعود سعد)

در علم نجوم تیر یا عطارد، نر و زهره و ماه، ماده معرفی می‌شوند. بنا بر کتب نجومی روز آدینه به زهره اختصاص دارد و به همین دلیل در شعر فارسی این روز، شادی آور و طرب انگیز شمرده شده است.

جنت خلد و خور و خواب و سرود جنت عاشق تماشای وجود (اقبال / ۳۳۳)
 جنت نقد است اینجا، عیش و عشرت تازه کن زانکه در جنت خدا بر بنده نویسد گناه
 (حافظ، ۱۳۷۸: ۳۷۱)

در متون عرفانی بهشت، مظهر جمال و زیبایی خداوند و نمونه کامل تمامیت خوشی است. توجه به اسامی فردوس، طوبی، رضوان و مینو، مونث بودن بهشت را غیر قابل انکار می‌کند.

در افسانه‌های ملل کهن نیز شادی با عنصر زنانه ارتباطی تنگاتنگ دارد. در واقع این زن است که یا شادی را می‌آفریند و یا به پرورش آن می‌پردازد. پیدایش باورها و اعتقادات ملل کهن نسبت به "مادر خدایان" و جستجوی رفتارهای آیینی مربوط به آنان در قلمرو شادی گواهی بر ادعای ماست.

در اسطوره‌های سومری نیز از ایزد بانویی به نام "اینانا" یاد می‌شود که حامی شهر اروک است. او پس از آنکه به یاری گیل گمیش قهرمان بر تخت سلطنت نشست، تصمیم گرفت رفاه و شادی مردم را افزایش دهد. برای تحقق این امر لازم بود به قوانین آسمانی خدای خرد دست یابد. لذا عازم جایگاه افسانه‌ای "خدای خرد" (انکی) می‌شود. و از او شادمانی را طلب می‌کند. "خدای خرد او را گرامی داشت و ۱۴ بار با شادی اینانا جام خود را از می پر کرد و نوشید. اینانا او را سپاس گفت و نیایش کرد:

انکی (خدای خرد) به من آستان مقدس داد

به من ابزار موسیقی با پژواک داد

به من هنر آواز خوانی داد

به من شادمانی دل‌ها داد

نگاهی به داستان‌های کهن فارسی خصوصاً داستان‌های شاهنامه که ریشه در اسطوره‌های کهن دارد، این حقیقت را بازگو می‌کند که زنان در اولین رویارویی با مردان جهت برقراری ارتباط عاطفی برای آنان شادی آرزو می‌کنند و در واقع فتح بابی برای مذاکرات بعدی می‌شود.

در داستان زال و رودابه که یکی از غنایی ترین قسمت‌های شاهنامه است رودابه پس از دیدن زال:

دو بیجاده بگشاد و آواز داد	که شاد آمدی ای جوانمرد شاد
درود جهان آفرین بر تو باد	بر آن کس که او چون تو فرزند زاد
پرستنده خرم دل و شاد باد	چنانی سراپای کو کرد یاد

و زال نیز در پاسخ، دیدار او را شادی آفرین ذکر می‌کند:

چنین داد پاسخ که‌ای ماه چهر	درودت ز من آفرین از سپهر
همی خواستم تاخدای جهان	نماید به من رویت اندر نهران
کنون شاد گشتم به آواز تو	بدین چرب گفتار با ناز تو

قبل از ادامه این بحث بهتر است به نکته‌ای اشاره شود و آن این است که در عصر حاضر پیروان مکتب روان شناسی " یونگ " که پرستش ایزد بانوان را در عهد باستان به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که " انسان امروزی به طور ناخودآگاه و به شکل‌های گوناگون نسبت به کهن الگوی مادر اولیه ابراز شوق می‌کند. آنان بیماران بسیاری را در کلینیک‌های روانی خود مورد درمان قرار داده و پس از بررسی حالات و تعبیر رویاهای آنان مایه‌ای واحد و اصیل یافته‌اند که گرایش نسبت به بازگشت به آغوش " کهن مادر بزرگ " را می‌توان به آن اطلاق کرد. این مکتب با

نتیجه گیری

با این توضیح و با توجه به نقش زنان در آفرینش شادی می‌توان به این نتیجه رسید که بازگشت به آغوش کهن مادر اولیه به عنوان یک اصل درمان‌گر در روان‌پریشی‌های بشر امروز موثر بوده و نمی‌توان نقش شادی‌آفرینی زنان در زندگی ماشینی امروز را نادیده گرفت. در باور بسیاری از جوامع آسیای میانه خصوصا در افغانستان لبخند عروس در شب عروسی نشانه سالی پر باران و پر خیر و برکت است. (عابدوف، ۲۰۱۱: ص ۲۰۵)

لذا عنصر زنانه‌ای چون آب، زمین و گیاه را می‌توان اصل و منشا شادمانی، آبادانی و آرامش دانست و زن به عنوان تجسم عینی این اسطوره‌های شادی‌آفرین به طور فطری و ناخواسته وظیفه شادی بخشی اجتماع انسانی را بر عهده دارد. بنا بر این نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مینا قرار دادن اصل "شادمانی" نقشی غیر قابل انکار یا تردید است.

بازگشت انسان‌ها به زمین بر تقدس مینوی آن تاکید می‌کند و پاسداشت مظاهر این مادر کبیر از جمله وظایفی است که بر دوش انسان‌ها نهاده شده است. حفظ و نگهداری طبیعت به عنوان مهم ترین عنصر در اعطای آرامش روحی انسان‌ها و شادمانی در آغوش پر مهر طبیعت، زنانه بودن عنصر شادی را تقریبا ثابت می‌کند. اختصاص یافتن نام‌هایی چون شادی، سرور، فرح، یسنا، بهجت، عشرت، مینو، پردیس، فردوس، طوبی، رضوان و... بر روی دختران نیز بر این ادعا صحنه می‌گذارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آموزگار، ژاله / تفضلی، احمد. اسطوره زندگی زردشت، تهران: قطره، ۱۳۷۰.
- ۳- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۹.
- ۴- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه، ۱۳۷۲.
- ۵- بیرونی، ابوریحان. التفهیم، زیر نظر اکبر ایرانی، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۴
- ۶- ترکمان، اسکندریگ. تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲
- ۷- حسینی فراهانی، ابوالحسن. شرح مشکلات دیوان انوری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ۸- حمیدیان، سعید. شاهنامه فردوسی، تهران: قطره، ج ۵، ۱۳۷۳.
- ۹- رضی، هاشم، گاه شماری و جشنهای ایران باستان، بهجت، تهران، ۱۳۷۱
- ۱۰- روح الامینی، محمود، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، آگاه، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- سیلیگمن، مارتین. شادمانی درونی، / ترجمه مصطفی تبریزی، تهران: نشر دانش، ۱۳۸۹.
- ۱۲- عابدوف، داداجان. رسوم و عقاید مردم دری زبان افغانستان ریال دوشنبه: ۲۰۱۱
- ۱۳- عطار نیشابوری، فریدالدین. منطق الطیر / محمدرضا شفیعی کدکنی (مصحح). تهران: سخن، ۱۳۸۹
- ۱۴- قزوینی، محمد / غنی، قاسم. دیوان خواجه شمس الدین حافظ شیرازی، تهران: زوار، ۱۳۷۸.
- ۱۵- گریمال، پی یر. اساطیر جهان (۱) / مترجم: مانی صالحی علامه، تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۵.

۱۶- لاهیجی، شهلا / کار، مهرانگیز. شناخت هویت زن ایرانی، تهران: روشنگران، ۱۳۷۱.

۱۷- مسعود سعد سلمان. دیوان اشعار / پرویز بابایی (به اهتمام). تهران: نگاه، ۱۳۸۴.

۱۸- نسفی، عزیزالدین، الانسان، تصحیح ماژیران موله، تهران: انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۹.

۱۹- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۱

۲۰- . یاحقی، محمد جعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، تهران: سروش: ۱۳۷۲

